

## تأثیر سیاست‌های آمریکا بر وضعیت حقوق بشر در خاورمیانه (۲۰۲۳-۲۰۰۱)

هادی مراد پیری<sup>۱</sup>، احسان جعفری فر<sup>۲</sup>، محمدصادق جلالی راد<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۸

### چکیده:

آمریکا خود را مدافع حقوق بشر می‌داند و سیاست‌های مداخله‌گرایانه چند دهه اخیر خود را با عناوینی چون حمایت از حقوق بشر در منطقه خاورمیانه توجیه کرده است. باین‌حال به نظر می‌رسد که این سیاست‌های مداخله‌جویانه در منطقه خاورمیانه نمی‌تواند تنها با روایت غربی و استفاده ابزاری از تبلیغات وسیع برای دفاع از عملکردهای مداخله‌گرایانه صحیح باشد، زیرا حقایقی مربوط به نقض حقوق بشر در خاورمیانه توسط آمریکا وجود دارد که اغلب گفته نمی‌شود؛ بنابراین نیاز به بررسی و واکاوی دقیق این مقوله موجب شد تا پژوهش حاضر تلاش کند تا وضعیت حقوق بشر در خاورمیانه را در پرتو سیاست‌های مداخله‌گرایانه آمریکا در منطقه خاورمیانه از سال ۲۰۰۱ به بعد را با واکاوی دقیق‌تر مورد بررسی قرار بدهد. پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده است. بررسی‌های پژوهش در نهایت نشان داد که سیاست‌های مداخله‌گرایانه آمریکا به تقویت نقض حقوق بشر در خاورمیانه منجر شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که اقدامات آمریکا حامل بسیاری از موارد نقض حقوق بشر در سایه گسترش ناامنی‌های منطقه خاورمیانه، سرازیر شدن سلاح‌ها، کشته شدن و آوارگی میلیون‌ها نفر و حمایت از جنایات ضد حقوق بشری متحدان منطقه‌ای بوده است.

**واژگان اصلی:** حقوق بشر، خاورمیانه، امنیت، تروریسم، بحران.

۱. دانشیار علوم دفاعی راهبردی دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Ehsan\_Jafari\_Far@yahoo.com

۳. دکتری سیاست‌گذاری عمومی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

## مقدمه

تاریخ همواره گویای وقوع جنایات متعددی است که علیه بشریت رخ داده و ابتدایی‌ترین حقوق طبیعی و ذاتی بشر را پایمال کرده است. وضعیت نقض حقوق بشر در دو جنگ جهانی اول و دوم زمینه بسیار مناسبی را فراهم کرد تا توجه بسیاری از محافل علمی و سیاسی را متوجه این واقعیت تاریخی کند که ظلم‌ها و ستم‌های ناروایی که در طول دوران مختلف تاریخ بر مردم تحمیل شده است باید مسئولیت را بر دوش جامعه بین‌المللی قرار دهد تا با تلاش خود در جهت مقابله یا کاهش نقض حقوق بشر اقدام کنند؛ باین حال مسئله نقض حقوق بشر تنها متوجه اتباع دولت‌ها نیست، بلکه شامل اقدامات سایر دولت‌ها بر یکدیگر نیز می‌شود. حال در فضای پس از جنگ‌های جهانی که آمریکا توانست به‌عنوان کشور قدرتمند جهانی ظاهر شود تلاش این کشور برای رهبری جهان و استقرار نظم لیبرالی و امنیت مدنظر خود منجر به آن شد که بحث دفاع از حقوق بشر نیز در سیاست خارجی این کشور به دستاویزی برای مداخله در امور سایر کشورها تبدیل شود. تا پیش از فروپاشی شوروی مباحث حقوق بشر ذیل مقابله بانفوذ کمونیسم قرار داده شد، اما پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ مسئله مبارزه با تروریسم توجیه‌کننده سیاست‌های مداخله‌گرایانه آمریکا شد. داشتن حق و تو در شورای امنیت یا صدور مجوز برای مداخله و یا اعمال تحریم‌ها برای تحت‌فشار قرار دادن کشورها از طریق سازمان ملل متحد نیز به سیاست‌های دیپلماسی اجبار و اقدامات تهاجمی آمریکا یاری رساند. پژوهش حاضر در نظر دارد به این پرسش پاسخ دهد که چه اقداماتی منجر به نقض حقوق بشر در خاورمیانه (۲۰۲۳-۲۰۰۱) توسط ایالات متحده آمریکا شده است؟ فرضیه پژوهش این است که اقدامات نظامی مستقیم، حمایت از سیاست‌های میلیتاریستی متحدان و فروش تجهیزات نظامی بر نقض حقوق بشر در خاورمیانه تأثیرگذار بوده است. مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و با اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده است. لازم به ذکر است که با توجه به گستردگی منطقه خاورمیانه این پژوهش تلاش خواهد کرد تا نسبت به ادعاهای مطرح شده موارد متعددی از کشورهای مختلف را مطرح سازد که شامل ایران، عراق، سوریه، یمن، عربستان، لیبی، بحرین، فلسطین آمده است.

## چارچوب مفهومی

ایده حقوق بشر به همان قدمت تمدن بشری است، اما حقوق بشر به‌عنوان موضوع مطالعه و تدوین، به تصویب منشور ملل متحد برمی‌گردد. امروزه حقوق بشر با وجود نارسایی‌های مفهومی و اختلاف نظرهایی همراه است، باین حال برخی از مهم‌ترین تعاریف در رویکردهای متفاوت را می‌توان

چنین بیان کرد. تعریف حقوق بشر در رویکرد حقوق طبیعی عبارت است از مجموعه حق‌های طبیعی که در تملک انسان بوده و با طبیعت او همراه است، این حقوق، همیشه با انسان موجود است، اگرچه به‌طور کامل مورد شناسایی قرار نگرفته باشد یا حتی از سوی حکومتی نقض شود در رویکرد پوزیتیویستی حقوق بشر مجموعه امتیازات متعلق به افراد یک جامعه و مقرر در قواعد موضوعه که افراد به اعتبار انسان بودن و در روابط خود با دیگر افراد جامعه و با قدرت حاکم، با تضمینات و حمایت‌های لازم از آن برخوردار هستند و در تعریف با رویکرد دینی حقوق بشر، حقوق بنیادین و پایه‌ای است که هر انسان از آن جهت که انسان است، فارغ از رنگ، نژاد، ملیت، جغرافیا و اوضاع و احوال اجتماعی یا میزان قابلیت و صلاحیت ممتاز و فردی و هر عنوان عارضی دیگر بر او، از خداوند دریافت کرده است (موسوی و فعال نظری، ۱۳۹۹: ۱۵۷).

باید وقوع دو جنگ جهانی را نقطه عطف مهمی در جواز تحدید حقوق بشر از سوی دولت‌ها دانست که توسط سازمان‌های بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفت بند دو ماده چهار میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مشتمل بر حقوق بشری غیر قابل تخطی است که باید توسط کشورها، حتی در شرایط اضطراری نیز محترم شمرده شوند. حق حیات، منع شکنجه، منع برده‌داری، حق آزادی اندیشه و عقیده و مذهب در زمره مهم‌ترین این حقوق به شمار می‌رود. شورای امنیت سازمان ملل متحد و دولت‌ها نیز، با توجه به آنکه این حقوق به‌مثابه گسترده‌ترین اشکال هنجارهای شکل‌دهنده قواعد آمره در سازمان ملل متحد تلقی می‌شوند، صرف‌نظر از اینکه تمامی اعضای آن میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را تصویب کرده‌اند یا نه نمی‌توانند آن‌ها را به‌عنوان حقوق قابل تخطی مدنظر قرار دهند (زمانی و غریب آبادی، ۱۳۹۶: ۱۱۶).

از نگاه برخی چون ساختار مفهومی حقوق بشر یکپارچه نیست و خود حقوق بشر نیز به شکل لازم‌الاجرائی قوام نیافته است و به‌صورت روشن و غیر مبهم حتی در سطوح تخصصی نیز تبیین نشده است، اجرای آن نیز مطلق و بدون شک و شبهه نبوده است و نخواهد بود. بنابراین، ادعاهای مبتنی بر جهان‌شمولی حقوق بشر به‌سادگی قابل درک نیست، چه رسد به اینکه به‌سادگی پذیرفته شود یا رد شود. یادآوری این نکته ضروری است که همه طبقات یا نسل‌های حقوق بشر، جهانی نشده‌اند، یا حداقل مقبولیت جهانی به آن شکل نیافته‌اند. از همه مهم‌تر اینکه یک تفاوت اساسی میان وضعیت و نحوه پرداختن به حقوق مدنی و سیاسی از یک طرف و حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی از سوی دیگر وجود دارد (معاونت آموزشی و پژوهشی مرکز ملی مطالعات جهانی شدن، ۱۳۹۳: ۱۲۹-۱۲۸).

عملکرد شورای امنیت در قبال حقوق بشر دارای تناقض است. از یک سو اقدام قاطع شورای امنیت با صدور قطعنامه بر مبنای فصل ۷ منشور است که در این موارد شورای امنیت مداخله را مانند عملیات در سومالی به صورت مأموریتی از جانب سازمان ملل کنترل کرده است و یا مانند عراق مجوز مداخله را صادر نموده و آن را به نیروهای ائتلافی تفویض کرده است (حسین زادگان، ۱۳۹۹: ۹۶-۹۵).

در کل اتفاق نظر جامعی وجود ندارد که حقوق مصوب در سازمان‌های بین‌المللی با سیاست کشورهایایی که خود را مدافع حقوق بشر می‌دانند همسو باشد به علاوه از نظر برخی حقوق بشر فرصت بسیار مناسبی برای قدرت‌های بزرگ از طریق مجامع بین‌المللی فراهم کرده است که علاوه بر تجاوز و دخالت در امور سایر کشورها بتوانند با اعمال فشار و تحریم علیه کشورها از طریق اجماع‌سازی و تهدید به نقض حقوق بشر اقدام کنند.

### جایگاه حقوق بشر در سیاست خارجی آمریکا

باید گفت پس از جنگ جهانی اول و دوم اهمیت مسئله حقوق بشر تنها جنبه حقوقی و اخلاقی پیدا نکرده است، بلکه آرمان‌هایی چون آزادی، حقوق بشر و ایجاد و استقرار دموکراسی‌هایی مبتنی بر بازار آزاد که از دیرباز جایگاه محوری را در استراتژی آمریکا داشته است در جهت ارتقای جایگاه آمریکا به‌عنوان کشور قدرتمند جهانی حائز اهمیت است. سخنرانی وودرو ویلسون در سال که ۱۹۱۹ اعلام کرد که «ما این کشور را بر پا می‌داریم تا بندهای اسارت را از دست و پای انسان‌ها بکشاید و این هدف را به مرزهای آمریکا محدود نمی‌سازیم» بیانگر این بود که آمریکا برای خود رسالت جهانی و مداخله‌گرایانه را در نظر گرفته است. جهت‌گیری‌های سیاست خارجی آمریکا نوعی ادغام منافع استراتژیک بارزش‌های فرهنگی حقوق بشر و دموکراسی را تداعی می‌سازد، چراکه آمریکا خود را کشوری با تمدن منحصر به فرد و یا «چراغ آزادی» و «سنگر دموکراسی» می‌داند و بر این اساس ارسال ارزش‌های فرهنگی برای گسترش دموکراسی و حقوق بشر به کشورهای دیگر را از ویژگی‌های متمایز دیپلماسی خود به حساب می‌آورد (ر.ک رئیس زکی و درخشنده، ۱۳۹۴: ۲۶۴).

بعد از جنگ جهانی دوم در دوران ترومن که بیش از هر چیز با شکل‌گیری مبانی نظری و سیاست‌های اجرایی دوران جنگ سرد مقارن است شواهد و قرائن فراوانی نیز بر محور نقش‌آفرینی مضامین لیبرالیستی در سطح رفتار خارجی دولت وی در قالب ارائه مشاوره و تجهیزاتی نظامی به کشورهای آزادی‌خواه وجود دارد. آیزنهاور درصدد برآمد که برخلاف ترومن، الگوی رفتاری آمریکا در زمینه حقوق بشر را با سیاست ضد کمونیستی همراه نماید. بعد از او کندی تلاش کرد تا به جهان

بفهماند که به هر قیمتی از حقوق بشر دفاع خواهد کرد و با پذیرش هر مسئولیت و دشواری در مسیر حمایت از دوستان خود، به مخالفت با دشمنان خواهد پرداخت تا در نهایت، بقا و موفقیت آزادی تضمین شود. در سال‌های نیکسون - فورد تأکید بر ملاحظه‌های حقوق بشرگرایانه، در رابطه با شرق استفاده می‌شد تا زمینه‌های انفعال‌پذیری در مسائل داخلی و در پی آن در حوزه سیاست خارجی شوروی (سابق) و حامیان آن فراهم شود.

به نظر هالیدی رویکرد حقوق بشرگرایی کارتر ترکیبی از لیبرالیسم با مخالفت با کمونیسم یا تلفیقی از سازش‌پذیری لیبرالیستی با ستیزه‌جویی ضد کمونیستی بود. دوره بعد یعنی دوره ریگان نخست به‌خاطر تقابل همه‌جانبه با «امپراتوری شیطان» (شوروی) به‌عنوان مهم‌ترین تهدید (علیه آمریکا) اهداف دیگر (به‌ویژه حقوق بشر) به سطحی حاشیه‌ای تنزل یافت؛ به همین دلیل بود که وی حاضر نبود در مسیر کمک به دولت‌های اقتدارگرای غیر کمونیست که رابطه دوستی با واشنگتن داشتند، ملاحظه‌های مربوط به حقوق بشر و دموکراسی را لحاظ نماید، اما در دور دوم بحران‌هایی که «رژیم‌های اقتدارگرای دوست» در حوزه منافع استراتژیک و امنیتی روبرو کرد موجب شد تا عقب‌نشینی وی از برخی ملاحظه‌های مربوط به رقابت استراتژیک با شوروی و تشدید مواضع مربوط به حقوق بشرگرایی در کشورهای مزبور انجام شود.

در دوره پس از جنگ سرد در قالب تغییر از وضعیت «راهبرد جنگ سرد محور» به‌سوی «نظم نوین جهانی» موجب شد تا بوش از وزش نسیم آزادی و دموکراسی در جهان سخن بگوید. او بیان داشت: «در هر کجا که اعضای نظام بین‌الملل اصول، مقررات و رویه‌ها را نقض نمایند، آمریکا حق دارد در صورت لزوم به‌زور متوسل شود... چراکه ایالات متحده تنها کشوری است که دارای چنین مسئولیتی بوده و توانایی ایفای آن را نیز دارد». در زمان کلیتون مأموریت وزیر خارجه جدید تحقق نوعی «دیپلماسی ممتاز» در جهت پیشبرد صلح، توسعه حاکمیت قانون و مقابله با تخلف از حقوق بشر در سطح بین‌المللی بود (بابل زهی، ۱۳۸۹: ۶۰-۴۵).

در نهایت در نقطه عطف یعنی زمان حمله آمریکا به افغانستان مسئله حقوق بشر و پیوند آن با سیاست خارجی آمریکا بسیار پیچیده‌تر مطرح شد چراکه در فضای پسا جنگ سرد و نبود رقیبی چون شوروی اینک مسئله مبارزه تروریسم و نظم جهانی که مسیر نفوذ و اعتلای جایگاه آمریکا را در جهان میسر کند و به همراهی با آن منجر شود مورد تأکید قرار گرفت؛ از همین رو شیوه تهاجمی آمریکا در مناطق مختلف جهان در فضای پسا شوروی برای حرکت به سمت تسلط بر جهان و به‌طور اخص خاورمیانه لازم بود. در این راستا جنگ با تروریسم جایگزین مفهوم مقابله با کمونیسم می‌شود تا بتواند بر اقدامات

متعدد نظامی و غیرنظامی آمریکا به‌عنوان مدافع آزادی ملت‌ها و حقوق بشر سرپوش نهد، باین‌حال همان‌طور که مورخ آمریکایی پل اتوود در کتاب خود با عنوان «جنگ و امپراتوری: شیوه زندگی آمریکایی» (۲۰۱۰) اشاره دارد «جنگ شیوه زندگی آمریکایی است» و نمی‌توان روی تأکید این کشور بر حقوق بشر زیاد اتکا کرد. از زمان تأسیس ایالات متحده تاکنون کمتر از ۲۰ سال است که در جنگی شرکت نکرده است، همچنین نگاهی به تحولات تاریخی نشان می‌دهد که از زمان پایان جنگ سرد تاکنون ایالات متحده تقریباً در تمام درگیری‌ها و جنگ‌های بزرگ در خاورمیانه و مناطق اطراف آن شرکت داشته است، به‌ویژه مناطقی که بیشترین آسیب را از جنگ‌های خارجی دیده است.

مجله مؤسسه اسمیتسونین<sup>۱</sup> در گزارشی بیان می‌دارد که از سال ۲۰۰۱، جنگ‌ها و عملیات نظامی که توسط ایالات متحده به نام «ضد تروریسم» راه‌اندازی شده است، حدود ۴۰ درصد از کشورهای کره زمین را پوشش می‌دهد (Xinhua, 2022)، اما این یک واقعیت است که توجیه جنگ یا ورود و دخالت در مناطق مختلف از جمله خاورمیانه باید با آرمان‌ها و ایده‌هایی توجیه شود تا مقبولیت عمل آمریکا را تا حدی پوشش دهد. در همین راستا با بررسی دوره‌های تاریخی آمریکا و با ورود مباحثی چون دکترین مونروئه، اعلامیه وودرو ویلسون و بیانیه چهار آزادی روزولت، شاهد وارد شدن زوایای نگاه حقوق بشری به‌صورت گسترده در سیاست خارجی ایالات متحده هستیم؛ این بحث به سبب حاکم بودن نگاه رئالیستی در دوران جنگ سرد به‌صورت منسجم پس از پایان جنگ سرد اهمیت خود را بازشناخت. به‌عبارت‌دیگر از بین رفتن خطر گسترش کمونیسم، ایالات متحده را وارد فاز جدیدی از سیاست‌گذاری‌ها با توجه به مباحث حقوق بشری کرد و رویداد یازده سپتامبر به این موضوع نمودی جدید بخشید. در این زمان ایالات متحده بر چند مؤلفه حقوق بشری در سیاست خارجی خود تأکید داشت:

(۱) تعیین حقوق بشر به‌عنوان یکی از ارکان استراتژی امنیت ملی آمریکا: تأکید بر آزادی و توسعه نهادهای دموکراتیک به‌عنوان موضوعاتی اساسی در روابط دوجانبه و به دنبال ایجاد همکاری و همبستگی میان همه دموکراسی‌ها و درعین‌حال فشار بر دولت‌هایی که حقوق بشر را برای حرکت به‌سوی آینده بهتر نفی می‌کنند؛

(۲) حقوق بشر در گستره جهانی به‌عنوان یک مسئله امنیت ملی که این مؤلفه بر این فرض استوار است که حقوق بشر به‌عنوان روح لیبرال دموکراسی از شکل‌گیری تهدیدات تروریستی و سلاح‌های کشتار جمعی که بیشتر پرورش یافته در کشورهای دارای حکومت‌های غیر دموکراتیک و اقتدارگرایانه

1. Smithsonian

خاورمیانه هستند جلوگیری می‌کند؛

۳- استفاده از حقوق بشر، دستاویزی برای مداخلات بشردوستانه در چارچوب منافع ملی است (رئیس زکی و درخشنده، ۱۳۹۴: ۲۲۷-۲۲۶).

باید گفت در همین راستا در منطقه خاورمیانه آمریکا برای پیگیری اهداف خود و نیز کسب سلطه انحصاری در منطقه علاوه بر تضعیف قدرت‌های مستقل منطقه تلاش نمود تا سیستم امنیتی و ترویج الگوی جدیدی در منطقه ایجاد نماید و چند کارکرد در نظر گرفته شد:

- ۱- امنیت لازم برای منافع آمریکا فراهم شود.
  - ۲- ارزش‌هایی برآمده از نظام‌های ضد منافع آمریکا همچون انقلاب اسلامی ایران در صحنه سیاسی منطقه نقش مؤثری نداشته باشند.
  - ۳- ایجاد امنیت در منطقه خطری متوجه اسرائیل نشود و اسرائیل یک کشور دمکراتیک و الگو در منطقه شناخته شود.
  - ۴- تقویت نظامی کشورهای متحد منطقه به گونه‌ای نباشد که بحث حقوق بشر مانع کمکرسانی آمریکا به آن‌ها شود
  - ۵- تشدید درگیری و اختلاف در منطقه برای جلوگیری از شکل‌گیری الگوی حقوق بشر اسلامی
  - ۶- ایجاد پیوندهای گسترده و عمیق و همه‌جانبه نظامی، امنیتی، اقتصادی و سیاسی با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس برای تأثیرگذاری بر جهت‌گیری سیاست داخلی آن‌ها با الگوی غربی (ر.ک توکلی مرند، ۱۳۹۷: ۱۵۷).
- در ادامه به صورت دقیق‌تر به سیاست‌های آمریکا و تأثیر آن بر نقض حقوق بشر در خاورمیانه پرداخته خواهد شد.

### سیاست‌های آمریکا و نقض حقوق بشر در خاورمیانه

نقض حقوق بشر در خاورمیانه که متأثر از سیاست‌های آمریکا در این موارد قابل ذکر است: سیاست‌های میلیتاریستی آمریکا، حمایت از سیاست‌های میلیتاریستی برافروختن تفرقه و خشونت برای گشودن بازار فروش سلاح، اعمال انواع تحریم‌ها برای مدیریت درگیری‌ها و نابودی و غارت میراث بشریت نتیجه اقدامات سیاست خارجی آمریکا در منطقه خاورمیانه است.

#### ۱) سیاست‌های میلیتاریستی

با فروپاشی شوروی در آمریکا در فضای بدون رقیب دچار یک چرخش در سیاست شد و تلاش کرد

تا به صورت مستقیم حضور خود را در خاورمیانه رقم بزند. پیش از این مرحله مصادیق نقض حقوق بشر را می توان به حمایت از نظام های دیکتاتوری و تلاش برای تحکیم حکومت های خودکامه، انواع کودتا و تحریم ها، حمایت از اسرائیل و... با محوریت مقابله با کمونیسم اشاره کرد با این حال با فروپاشی شوروی و نظام دوقطبی آمریکا به عنوان قدرت هژمون تلاش کرد تا نفوذ در منطقه خاورمیانه را رقم زند برای این منظور حمله به عراق شکل گرفت. به دنبال حمله نظامی آمریکا و متحدانش به عراق پس از یازده سپتامبر خاورمیانه دوره جدیدی از بی ثباتی را تجربه کرد به طوری که خاستگاه اندیشه های افراطی که به صورت بالقوه در طول دهه ها در منطقه پرورش یافته بود به صورت بالفعل ظهور و بروز پیدا کرد. با بررسی نسبت میان تروریسم و اشغال خارجی حوادثی چون بمب گذاری های انتحاری افزایش یافت که در نتیجه حساسیت به اشغال خارجی بود. در تحقیق جامعی در دانشگاه شیکاگو درباره امنیت تروریسم، ۲۲۰۰ بمب گذار انتحاری از حدود ۴۰ سال قبل تا ۲۰۰۹ بررسی شد و نشان داد که پس از حمله آمریکا عراق، حملات انتحاری از ۳۰۰ مورد در سال ۱۹۷۹ به ۱۸۰۰ مورد در بازه زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ رسید (معدنی، ۱۳۹۶: ۴۸).

باید این نکته را در نظر داشت که تحولات در داخل عراق به نوعی بر افغانستان نیز تأثیر می گذاشت؛ چراکه برخی گروه های اسلام گرا در عراق ارتباط نزدیک با گروه های اسلامی گرا در افغانستان داشتند و بالعکس. از همین رو رابطه بین این دو منطقه وجود دارد. با جنگ علیه طالبان و صدام نه تنها تعداد گروه های تروریستی کاهش نیافت؛ بلکه افزایش یافت و گروه های تروریستی بین المللی اسلامی چون داعش شکل گرفت.

طبق داده ها در مدت یک دهه (۲۰۱۷-۲۰۰۷)، تعداد کشورهایی که از طریق تروریسم مذهبی مجروح یا کشته داشته اند از هشت کشور در سال ۲۰۰۷ به ۳۲ کشور در سال ۲۰۱۷ افزایش یافته است و نمونه های آن شامل حملات علیه غیرنظامیان توسط داعش در عراق و سوریه، طالبان در افغانستان، الشباب در سومالی و بوکوحرام در نیجریه است<sup>۱</sup> (data.fondapol, 2019). قبل از دهه ۱۹۹۰ فقط ۳٪ سازمان ها تروریستی مذهبی بودند، اما با اقدامات نظامی آمریکا در کمتر از پانزده سال به ۴۰٪ رسیدند که این آمار تا سال ۲۰۱۳ تبدیل به نیمی از تروریست های فعال بین المللی شد (فتیحی، ۱۳۹۴: ۴۹).

۱. موارد زیادی از خشونت های مذهبی را می توان در جمهوری آفریقای مرکزی، مصر، هند، عراق، اسرائیل، مالی، نیجریه، پاکستان، سریلانکا، سوریه، تایلند و

یمن مشاهده کرد.



مسئله حمله آمریکا به کشورها به نام دفاع از حقوق بشر و مبارزه با تروریسم تبعات متعدد اجتماعی، اقتصادی، امنیتی بر وضعیت حقوق بشر در کشورهای مورد تهاجم دارد. بدر کنار وضعیت وخیم زندگی مردم به جای رهایی مردم بسیج گروه‌های افراطی تشدید شد و رشد گروه‌های تروریستی و دیگر شاخه‌ها را تسهیل کرد که خشونت آن‌ها تعداد زیادی را کشته، متواری و پناهنده کرد. بر اساس آمار استاتیستا<sup>1</sup>، یک پایگاه آماری جهانی، از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۱، حدود ۲۰۹۰۰۰ غیرنظامی عراقی در جنگ‌ها و درگیری‌های خشونت‌آمیز جان خود را از دست دادند و حدود ۹,۲ میلیون عراقی پناهنده یا مجبور به ترک وطن خود شدند. ایالات متحده جنگ‌هایی را در خاورمیانه و جاهای دیگر به راه انداخت و حق حیات و بقای مردم منطقه را به شدت تضعیف کرد... گفتنی است که ایالات متحده جنگ عراق را آغاز کرد، از مهمات اورانیوم ضعیف شده در مقادیر زیادی استفاده کرد که صدمات زیادی به سلامت مردم محلی وارد کرد و حق سلامت آن‌ها را به طور جدی نقض کرد به این موارد غارت ۱۷۰۰۰۰ اثر باستانی نشان‌دهنده ماهیت هنر و تمدن باستانی سومری، بابلی، آشوری و سایر مراحل تاریخی را هم می‌توان اضافه کرد (Xinhua, 2022).

اقدامات بعدی نظامی آمریکا در کشورهای دیگر خاورمیانه ادامه دار بود. بر اساس گزارش شورای روابط خارجی (CFR)، ایالات متحده در سال ۲۰۱۶ تنها ۲۶۱۷۲ بمب بر روی عراق، سوریه، لیبی، یمن، سومالی (به‌علاوه افغانستان و پاکستان) پرتاب کرده است که به‌طور متوسط روزانه ۷۲ بمب می‌شود. این تخمین‌ها بدون شک کم هستند، با توجه به فقدان داده‌های موثق مبنی بر اینکه یک حمله می‌تواند شامل چندین بمب باشد در نظر گرفته نشده است. این اعداد همچنین شامل بمب‌های پرتاب‌شده توسط بازیگران دیگر همسو با ایالات متحده نیست (ذکاء دادگستر و جلالی، ۱۴۰۱: ۶۴-۶۳). گزارش سازمان ملل که در سپتامبر ۲۰۱۹ منتشر شد، اشاره کرد که بسیاری از حملات هوایی انجام‌شده توسط ائتلاف به رهبری ایالات متحده در مناطقی مانند سوریه «تدابیر احتیاطی لازم را برای تمایز بین اهداف نظامی و غیرنظامیان انجام ندادند». ثانیاً، ایالات متحده به‌طور گسترده از حملات هوایی برای انجام عملیات به اصطلاح «ضد تروریسم» استفاده کرده است که اغلب غیرنظامیان را «به‌اشتباه» می‌کشند، افراد بی‌گناه را مجروح می‌کنند و به‌طور خودسرانه از حق حیات محروم می‌شوند. نیویورک تایمز گزارش داد که بر اساس بررسی اسناد محرمانه پنتاگون، حملات هوایی مکرر ایالات متحده در سوریه باعث تلفات غیرنظامیان زیادی به دلیل «نقص‌های جدی اطلاعاتی» و «هدف‌گیری

1. statista

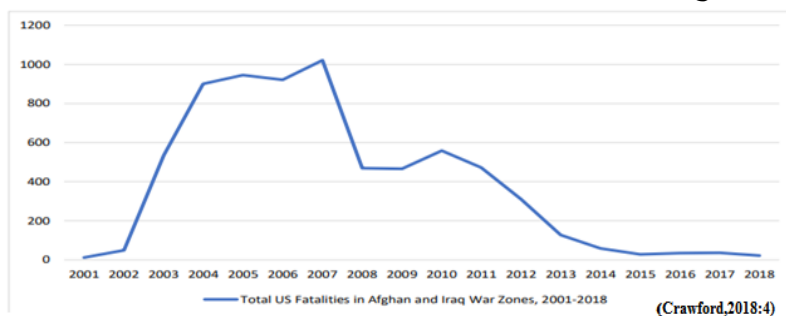
نادرست» شده است که پتاگون معمولاً تصمیم می‌گیرد آن‌ها را بپوشاند یا نه. جریمه کردن در سال ۲۰۱۷، ارتش آمریکا آنچه را «دقیق‌ترین حمله هوایی» به شهر رقه سوریه خواند، انجام داد. شرکت رند، یک اندیشکده آمریکایی، در گزارشی اشاره کرد که عملیات نظامی آمریکا منجر به ۳۸ حادثه شد که منجر به تلفات غیرنظامی، کشته شدن ۱۷۸ غیرنظامی و زخمی شدن ده‌ها نفر دیگر شد. برخی از گروه‌های حقوق بشری تعداد تلفات غیرنظامیان را تا ۱۶۰۰ تخمین زده‌اند. در ۱۸ مارس ۲۰۱۹، پهپادهای آمریکایی حداقل ۶۴ زن و کودک غیرنظامی را هنگام جستجوی «گروه‌های افراطی» در شهر باغوز در مرز سوریه و عراق کشتند. در فوریه ۲۰۲۲، ارتش آمریکا یک حمله به استان ادلب سوریه انجام داد که در آن دست‌کم ۱۳ نفر از جمله شش کودک و سه زن کشته شدند (Xinhua, 2022).

## ۲) حمایت از سیاست‌های میلیتاریستی

بر اساس گزارشی که توسط پروژه هزینه‌های جنگ در انستیتوی امور بین‌الملل و عمومی واتسون در دانشگاه براون منتشر شده است، هزینه تخمینی جنگ آمریکا علیه تروریسم ۶,۴ تریلیون دلار و ۸۰۱۰۰۰ نفر است (GoLocalProv, 2019).

پرهزینه‌ترین مورد تجاوز جنگ علیه عراق بود که در سال ۲۰۰۳ آغاز شد و صدها هزار تلفات عراقی، هزاران تلفات آمریکایی و میلیاردها دلار هزینه را به همراه داشت. تلفات نظامی بدین شرح است:

مجموع تلفات نظامی ایالات متحده در مناطق جنگی افغانستان و عراق، ۲۰۰۱-۲۰۱۸



باید گفت علی‌رغم مداخله و هزینه‌های گزاف حتی مزایای قابل‌مقایسه‌ای را به همراه نداشت. افزایش اقدامات نظامی در عراق در سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۸ به کاهش کوتاه‌مدت خشونت کمک کرد، اما نتوانست به جناح‌های سیاسی عراق فضای لازم را برای ایجاد صلح و ثبات طولانی‌مدت بدهد.

پیامدهای منفی درازمدت تهاجم به رهبری ایالات متحده شامل آغاز یک جنگ داخلی طولانی، تحریک درگیری‌های فرقه‌ای در داخل و خارج از عراق و در منطقه خاورمیانه بود. حمله به عراق نشان داد که چگونه سیاست خارجی ایالات متحده امنیت ملی و ثبات ایالات متحده را در سراسر منطقه تضعیف می‌کند. به‌غیر از عراق مداخله نظامی آمریکا که به سرنگونی معمر قذافی در سال ۲۰۱۱ انجامید، لیبی را در هرج و مرج قرار داد. ادامه جنگ داخلی تأثیر بی‌ثبات‌کننده‌ای فراتر از مرزهای لیبی از جمله افزایش قابل توجه گروه‌های تروریستی فعال در ساحل و غرب و آفریقای مرکزی داشته است. اقدام نظامی آمریکا در قبال ایران با ترور قاسم سلیمانی در خاک عراق در ژانویه ۲۰۲۰، عملاً نشان داد که دامنه اقدامات نظامی این کشور محدودیتی ندارد. سیاست‌های آمریکا تنش‌ها را افزایش داده است و به خطر جنگ گسترده‌تر دامن زده است (Pillar, Bacevich, Sheline, & Parsi, 2020).

این کشور در منطقه‌ای خود را گرفتار کرده است که با عملیات بیشتر نظامی نیز نمی‌تواند احساس امنیت را برای خود تضمین کند. بدین ترتیب سیاست‌گذاران آمریکا را به تغییر رویکرد وادار کرد که شامل خروج از منطقه و تقویت متحدان منطقه‌ای است. در خصوص مورد اخیر بسیاری از مقامات ارشد دولت آمریکا با اذعان به اینکه تداوم سیاست حضور مستقیم عاملی مضر برای منافع ملی این کشور است، بر تغییر نوع حضور آمریکا از حضور مستقیم به «انتخاب جایگزین» برای آمریکا در منطقه تأکید کردند. منظور از سیاست «انتخاب جایگزین» تعامل با سایر متحدان آمریکا برای ایفای نقش مؤثرتر در تحولات منطقه بود. به‌عبارت‌دیگر، برای جلوگیری از تحمیل هزینه‌های سنگین به آمریکا، سیاست‌گذاران این کشور اعلام کردند به‌جای حضور مستقیم، تحولات منطقه را از طریق خود کشورهای منطقه مدیریت خواهند کرد (فرخی چشمه سلطانی و عطار، ۱۳۹۶:۱۴۷).

در گزارشی از یک برنامه محرمانه ایالات متحده آمریکا برای راه‌اندازی جنگ‌های نیابتی تصمیم گرفته شد که تنها تیم‌های کوچکی از نیروهای عملیات ویژه ایالات متحده آمریکا در یک برنامه جنگ نیابتی بزرگ درگیر شوند. این گزارش نشان داد که نیروهای یگان کماندویی آمریکا، بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ در چارچوب برنامه‌ای موسوم به ۱۲۷e تعداد ۲۳ عملیات مختلف را در کشورهای مختلف به اجرا گذاشته‌اند؛ براین اساس، در برنامه محرمانه ۱۲۷e به‌طور ویژه از گروه‌های نظامی بیگانه در کشورهای هدف حمایت آموزشی، مالی، تسلیحاتی و اطلاعاتی می‌شود، اما برخلاف دیگر برنامه‌های کمک‌های خارجی پنتاگون، در این برنامه نیروهای خارجی به‌طور مستقیم در راستای تحقق اهداف آمریکا مورد استفاده قرار می‌گیرند (MFA, 2022).

بعد از حمله به عراق به بهانه مقابله با تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی در حالی حمایت از نقش آفرینی عربستان در منطقه خاورمیانه توسط آمریکا حمایت و تقویت می‌شود که ۱۵ تبعه سعودی از بین ۱۹ نفر در حملات ۱۱ سپتامبر دست داشتند، ولی این کشور توسط آمریکا تنبیه نشد. به گفته عامل سابق سی آی ای، رابرت بائر<sup>۱</sup>، در کتاب *خوابیدن با شیطان*<sup>۲</sup> بوش با جنگ علیه عراق افکار عمومی را از حقیقت حملات ۱۱ سپتامبر منحرف کرد پس باید گفت جنگ علیه عراق اولین نشانه تغییر رویکرد آمریکا نسبت به عربستان است (نعمتی و حاج یوسفی، ۱۷۰:۱۳۹۸).

در حالی آمریکا به دنبال تقویت روابط با عربستان است که مهم‌ترین مشکلات حقوق بشری در عربستان شامل طیف وسیعی از مسائل از جمله: نبود ابزار و راهکارهایی برای شهروندان به‌منظور تغییر حکومت، محدودیت‌های گسترده بر حقوق جهانی همچون آزادی بیان، آزادی فضای مجازی، آزادی اجتماعات، آزادی سازمان‌ها و جنبش‌ها، آزادی مذهبی و نبود حقوق برابر برای زنان، کودکان و کارگران غیرعربستانی هستند (فعال، ۲۱۱:۱۴۰۱)؛ اما هدف آمریکا این است که از هرگونه تغییری در منطقه که بر ضد منافع آمریکا باشد جلوگیری کند و می‌تواند از اقدامات داخلی عربستان تا حد زیادی گذر کند و رویکرد حمایتی از سیاست‌های منطقه‌ای عربستان داشته باشد همان‌طور که از عربستان در مقابله و سرکوب با هر نوع مبارزه و جنبش مردمی از جمله در بحرین و یمن دفاع کرد. هدف حفظ وضع موجود بقای نظام‌های سلطنتی و مستبد است که مانع حاکمیت مردم بر سرنوشت خود می‌شود (التیامی نیا و همکاران، ۱۹۲:۱۳۹۵).

امری که برخلاف حقوق بشر است. با توجه به منافع پیچیده و گسترده‌ای که آمریکا در بحرین دارد هرگونه تغییر سیاسی در این کشور می‌تواند حضور نظامی آمریکا را در منطقه با چالش مواجه کند. بر همین اساس این کشور در خصوص تحولات بحرین عمدتاً سیاست سکوت و حمایت تلویحی از رژیم آل خلیفه و آل سعود را دنبال کرد و بار دیگر بین ارزش‌های به‌زعم خود حقوق بشری، دموکراسی و منافع استراتژیک گزینه دوم را انتخاب کرد. به‌عبارت‌دیگر آنچه از سیاست آمریکا در بحرین مشاهده شد، حاوی یک تناقض بین ارزش‌های آمریکایی و الزامات استراتژیک برای حفظ متحدان اقتدارگراست، درحالی‌که رژیم حاکم با دخالت حامیانش چهره خشن خود را به مردم نشان داده است، آمریکا جهت حفظ منافع خود مجبور است با آن‌ها همکاری کند (هدایتی شهیدانی و منافع

1. Robert Baer  
2. *Sleeping with the Devil*

بحرین به درخواست بازدید گزارشگر ویژه مدافعان حقوق بشر که در سال ۲۰۱۲ ارسال شد و همچنین یادآوری ارسال شده در سال ۲۰۱۵ پاسخی نداده است. از زمان تعلیق روزنامه الوسط، تنها روزنامه مستقل این کشور، در سال ۲۰۱۷ توسط وزارت امور اطلاعات، هیچ رسانه مستقلی در بحرین فعالیت نکرده است. روزنامه‌نگاران خارجی به‌ندرت به بحرین دسترسی دارند و دیده‌بان حقوق بشر و سایر گروه‌های حقوق بشر به‌طور معمول از دسترسی به بحرین محروم می‌شوند. این کشور در سال‌های اخیر نیز به درخواست‌های گزارشگران ویژه در مورد شکنجه، آزادی بیان و آزادی پاسخی نداده است (HRW, 2021).

ارتباط نزدیک با بحرین برای عربستان ضروری است، چراکه آل سعود برای ثبات در عربستان نیازمند استمرار حکومت آل خلیفه و در حاشیه‌نگه‌داشتن شیعیان در بحرین است و تغییر شرایط در بحرین می‌تواند شراکت راهبردی با عربستان را تغییر دهد و موجب همکاری بیشتر با ایران شود. به‌علاوه بحرین از ۱۹۹۵ میزبان ناوگان پنجم ایالات متحده است که برای تضمین منافع واشنگتن و امنیت متحدان خود در آنجا مستقر شده است و از آنجاکه بحرین متحد مهم عربستان در روند تصمیم‌گیری حساس در شورای همکاری خلیج‌فارس است پس آمریکا در برابر اقدام عربستان در کمک به آل خلیفه برای سرکوب معترضان بحرینی سکوت اختیار می‌کند.

حمایت ایالات متحده از جنگ به رهبری عربستان سعودی در یمن منجر به بدترین فاجعه انسانی مداوم در جهان شده است. حمایت مستمر ایالات متحده از دولت‌هایی که از روش‌های خشونت‌آمیز استفاده می‌کنند، به‌جای کاهش خطر افراط‌گرایی خشونت‌آمیز، خطر افراط‌گرایی خشونت‌آمیز را افزایش می‌دهد (Pillar, Bacevich, Sheline, & Parsi, 2020).

بر اساس گزارش جهانی ۲۰۲۰، دیده‌بان حقوق بشر حداقل ۹۰ حمله هوایی غیرقانونی به رهبری عربستان سعودی را مستند کرده است که به‌طور عمدی غیرنظامیان را کشتند و اشیای غیرنظامی را هدف قرار دادند که نقض آشکار قوانین بین‌المللی است. یکی از وعده‌های کلیدی بایدن در سیاست خارجی پایان دادن به حمایت آمریکا از جنگ تحت رهبری عربستان سعودی در یمن بود، با این حال با حداقل سه فروش عمده تسلیحاتی دیگر و عدم پاسخگویی به نقش این کشور در بحران انسانی جاری در یمن روبرو هستیم. با تشدید دخالت ایالات متحده در جنگ، وزارت خارجه آمریکا فروش ۶۵۰ میلیون دلار موشک هوا به هوا را در نوامبر تأیید شد. به نظر می‌رسد این فروش عربستان سعودی را برای حمله به

یمن جسورتر کرده است (Cleveland-Stout & Giorno, 2022).

تحقیقات سی‌ان‌ان در فوریه ۲۰۱۹ نشان داد که عربستان سعودی و امارات تجهیزات ساخت آمریکا را به جنگجویان مرتبط با القاعده، شبه‌نظامیان سلفی تندرو و سایر جناح‌های جنگنده در یمن را داده‌اند (CNN, 2021).

به دلیل تخریب بسیاری از منازل شهروندان یمنی توسط جنگنده‌های ائتلاف سعودی جمعیت قابل توجهی از مردم این کشور با بحران مسکن مواجه شده و آواره گشته‌اند. بیش از ۴ میلیون نفر اثر جنگ آواره شده‌اند که اغلب آنان از زنان و کودکان هستند. آوارگی نیز سبب بروز سایر مشکلات اجتماعی برای آنان می‌شود، زیرا آوارگان بیشتر در معرض خطر استعمار، آزار و اذیت و انواع خشونت قرار دارند. زنان و دختران که نیمی از کل آوارگان را تشکیل می‌دهند، بیشتر در معرض خطر هستند. برخی از زنان آواره نیز مورد آزار و اذیت‌های مختلفی قرار می‌گیرند، اما تمایلی به ارائه گزارش و بیان آن ندارند. علاوه بر زنان، کودکان آواره نیز در معرض ربایش قرار دارند (بیگی، ۱۴۰۰: ۱۰-۹).

سازمان ملل تخمین زد که ۴۰۰ هزار کودک یمنی در سال ۲۰۲۱ از گرسنگی تلف می‌شوند. بر اساس گزارش دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد، ۶۶ درصد از افرادی که برای درمان یا پیشگیری از سوءتغذیه در سال ۲۰۲۱ نیاز به حمایت داشتند، زنان بودند و از ۴,۷ میلیون نفری که از سوءتغذیه رنج می‌بردند، ۱,۲ میلیون نفر را زنان باردار و شیرده تشکیل دادند. پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو، استفاده از «قحطی به‌عنوان روش جنگی» را در درگیری‌های مسلحانه، ممنوع می‌کند (Ima, 1400).

در قبال سوریه نیز غرب و در رأس آن آمریکا عزم خود را بر سقوط بشار اسد متمرکز کرده بود. مهم‌ترین اهداف ایالات متحده از سقوط بشار اسد: جایگزین کردن دولت طرف‌دار غرب به‌جای بشار اسد، تضعیف محور مقاومت و کاستن از نفوذ ایران در منطقه، تضمین امنیت اسرائیل، دسترسی به منابع سوریه، کاستن نفوذ روسیه در سوریه به‌ویژه آنکه این کشور دارای پایگاه نظامی بود. در همین راستا، عربستان و برخی کشورهای عربی نیز همسو با آمریکا از یک‌سو با ارائه کمک‌ها و حمایت‌های مالی و سیاسی به گروه‌های تروریستی و تجهیز آن‌ها به انواع تسلیحات جدید و پیشرفته و از سوی دیگر با تهیه پیش‌نویس قطعنامه‌های متعدد و ارائه آن به شورای امنیت برای تصویب نهایی در قالب جبهه واحدی علیه سوریه وارد عمل شدند (جعفری‌فر، خدیمی، ۱۴۰۰: ۵۱). در بحران سوریه بیش از ۱۲ میلیون نفر آواره شده‌اند و ۱۴ میلیون غیرنظامی به کمک‌های فوری بشردوستانه نیاز دارند. موضوع پناهندگان سوری توسط

سازمان ملل متحد «بزرگ‌ترین بحران پناه‌جویان در زمان ما» خوانده شده است (Xinhua, 2022).

البته با توجه به شکست آشکار استراتژی نظامی آمریکا در عراق، درخواست‌های فزاینده برای رویکرد حمایت از سیاست‌های میلیتاریستی توسط سایر کشورها در منطقه نباید تعجب‌آور باشد. حمایت بی‌قید و شرط ایالات متحده از شرکای امنیتی منطقه‌ای بیانگر آن است که آمریکا تمایل دارد که آن‌ها را از تلاش‌های دیپلماتیک برای حل مسالمت‌آمیز تنش‌ها با همسایگان منصرف کند، همچنین کاهش قابل توجه نیروهای آمریکایی در خاورمیانه به ایجاد محدودیت بیشتر و کاهش تمایل به رفتارهای بی‌ثبات‌کننده در میان دولت‌های شریک کمک خواهد کرد تا بتواند بازی با حاصل جمع صفر را در روابط بین کشورها برقرار سازد؛ به‌علاوه بحران‌های مداوم در منطقه در راستای سیاست‌های آمریکا و اهداف آن از جمله درگیر شدن کشورهای اسلامی با یکدیگر بدون توجه به اسرائیل است. طرح معامله قرن برای پایان دادن به مناقشه فلسطین و اسرائیل که در سال ۲۰۱۶ اعلام شد در سایه همین آشوب‌های منطقه رقم می‌خورد. استفان والت در یادداشتی در فارین پالسی بیان کرد طرح صلح غرب آسیا نشانه از رویکرد یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده است، والت در ادامه بیان می‌کند که این طرح حتی ذره‌ای از هدف صلح در غرب آسیا را پیش نخواهد برد (ذکاء دادگستر و محمدی، ۱۴۰۱: ۷۶).

آمریکا بر اعمال خشونت و زندانی کردن از اقدامات مشابه توسط متحدان خود چون اسرائیل دفاع کرده یا سرپوش گذاشته است. طبق آمار تا آوریل ۲۰۱۹ سالانه ۵۰۰ تا ۷۰۰ کودک فلسطینی بازداشت می‌شوند. ۷۳ درصد از کودکان بازداشت‌شده گزارش داده‌اند که خشونت فیزیکی را تجربه کرده‌اند. ۶۶ درصد از کودکان بازداشت‌شده به‌طور متوسط ۱۳ روز در سلول انفرادی نگهداری می‌شوند. ۴۱ درصد کودکان در نیمه‌های شب دستگیر می‌شوند (Cmep, 2021).

### ۳) سیاست‌های غیرنظامی ناقض حقوق بشر آمریکا

طبق گزارش انجمن مطالعات حقوق بشر چین<sup>۱</sup> ایالات متحده در خاورمیانه تلاش می‌کند تا کشورهای منطقه را متحول کند و رژیم‌های شکننده و وابسته ایجاد کند تا در خدمت هژمونی جهانی خود باشد. تلاش برای تغییر اجباری نظام‌های سیاسی در عراق، سوریه و لیبی و بسیاری دیگر نه تنها نظم سیاسی را مختل کرد، بلکه انسجام اجتماعی و ملی را در این کشورها از بین برد. اقدامات سرنگونی دولت‌های

1. The China Society for Human Rights Studies (CSHRS)

دیگر کشورها با زور، مداخله در امور داخلی سایر کشورها و صدور اجباری به اصطلاح «دموکراسی» نه تنها ناقض هنجارهای اساسی روابط بین الملل مانند منع توسل به زور و غیر است، بلکه مداخله در امور داخلی و همچنین نقض جدی حقوق مردم کشورهای مربوطه برای انتخاب مسیرهای توسعه و همچنین حقوق اولیه انسانی آنها نیز است. به غیر از این اقدامات در بخش سیاست های غیر نظامی آمریکا که به نقض حقوق بشر در خاورمیانه منتهی شده است اعمال انواع تحریم های ظالمانه برای تسلیم کردن دولت ها است. ایالات متحده از تحریم های یک جانبه علیه کشورهای مستقل سوء استفاده کرده و باعث خسارات اقتصادی شدید و کاهش کیفیت زندگی مردم آن کشورها شده است. ایالات متحده تنها «ابرقدرت تحریم کننده» در جهان است. بر اساس بررسی تحریم های خزانه داری ۲۰۲۱، ایالات متحده تا سال مالی ۲۰۲۱ بیش از ۹۴۰۰ تحریم داشته است. اهداف این تحریم ها شامل تحول کشورهای منطقه و ایجاد رژیم های شکننده و وابسته در خدمت برای آمریکا است (Be-china, 2021).

ایالات متحده با ایجاد بحران های بشردوستانه از طریق تحریم حقوق بشر مردم از جمله سلامت آنها به شدت تضعیف کرده است. مورد دیگر در زمان شیوع بیماری همه گیر کووید-۱۹ بود که آمریکا همچنان بر اعمال تحریم های یک جانبه علیه ایران، سوریه و سایر کشورها اصرار داشت و این امر، دستیابی به تجهیزات پزشکی مورد نیاز برای مبارزه با این همه گیری را برای کشورهای تحریم شده دشوار کرد. در سال ۲۰۲۰، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد میشل باشله گفت: «در این زمان حساس، هم به دلایل بهداشت عمومی جهانی و هم برای حمایت از حقوق و زندگی میلیون ها نفر در این کشورها، تحریم های بخشی باید کاهش یا تعلیق شود. در شرایط همه گیری جهانی، مانع از تلاش های پزشکی در یک کشور، خطر را برای همه ما افزایش می دهد» (Xinhua, 2022).

در نتیجه تحریم ها، ایران قادر به واردات داروها و تجهیزات پزشکی ضروری نبود که سلامت میلیون ها ایرانی را به شدت تحت تأثیر قرار داد. دولت ایران درخواست وام ویژه ۵ میلیارد دلاری از صندوق بین المللی پول برای جمع آوری کمک های مالی برای مقابله با همه گیری کووید-۱۹ کرد، اما توسط ایالات متحده مسدود شد. ایالات متحده با مسدود کردن منابع مالی ایران در خارج از کشور و تهدید تأمین کنندگان واکسن تمام تلاش خود را بر عدم دسترسی ایران به واکسن های کووید-۱۹ انجام داد. در سال ۲۰۲۰، ایران اعلام کرد که سه بار تلاش کرده تا هزینه واکسن ها را تحت COVAX، برنامه اجرای کووید-۱۹ سازمان جهانی بهداشت بپردازد، اما به دلیل تحریم ها و محدودیت های ایالات متحده شکست خورد. در مقاله مؤسسه بروکینگز آمده است که به جای کاهش تحریم ها برای کمک به ایران برای مدیریت



بهتر این بیماری همه‌گیر، تحریم‌های بیشتری را روی هم گذاشته شد. در این مقاله آمده بود که اگر تحریم‌ها در زمان شیوع بیماری همه‌گیر ایران کاهش می‌یافت، می‌توان جان ۱۳۰۰۰ نفر را نجات داد (Ibid).

فاجعه نقض حقوق بشر در موارد یادشده با در نظر گرفتن تبعات روحی و روانی بسیار فجیع‌تر است. با این حال اقداماتی توسط آمریکا رخ داده است که در ارتباط با تحت شکنجه‌های روحی قرار دادن بوده است. در زندان ابوغریب علاوه بر آزار و شکنجه جسمی گسترده پرسنل آمریکایی زندانیان برای ایجاد فشار روانی با هتک حرمت به قرآن و زیر پا گذاشتن اعتقادات اسلامی تلاش می‌کردند تا شکنجه روحی و روانی نیز انجام دهند. باید گفت تبعات فشار روانی بود که جرعه اعتراضات جمعی و حتی خودکشی دسته‌جمعی در میان بازداشت‌شدگان را برانگیخت (Global.chinadaily, 2022).

قدیمی‌ترین تناقض در خصوص حمایت ایالات متحده از حقوق بشر در خاورمیانه، حمایت مالی، نظامی، اعمال و توها و چشم‌پوشی از جنایات اسرائیل در حق فلسطینیان در طول چندین دهه اشغال بوده است. دیده‌بان حقوق بشر با استناد به بیانیه‌های علنی رهبران اسرائیل و سیاست‌های رسمی، استدلال می‌کند که اسرائیل «نیت خود را برای حفظ سلطه یهودیان اسرائیلی بر فلسطینیان» در اسرائیل، کرانه باختری و غزه، همراه با «ظلم سیستماتیک» و «اقدامات غیرانسانی» نشان داده است. در این بیانیه آمده است: «وقتی این سه عنصر با هم اتفاق می‌افتند، جرم آپارتاید است». در رابطه با اتهام آزار و شکنجه، این گروه به «سوءاستفاده‌های شدید» در سرزمین‌های اشغالی، از جمله مصادره زمین، رد سیستماتیک مجوزهای ساختمانی، تخریب خانه‌ها و «محدودیت‌های چند دهه‌ای گسترده در آزادی رفت‌وآمد و حقوق اولیه بشر» اشاره کرد (Associated-Press, 2021).

محاصره ۱۵ ساله اسرائیل، همراه با لشکرکشی‌های ویرانگر هرچند سال یک‌بار، نوار غزه را فقیر، توسعه‌نیافته، به‌عنوان بخشی از سیاستی برای نگه‌داشتن جمعیت غیرنظامی فلسطین در آستانه فاجعه انسانی و زیست‌محیطی، قرار داده است. طبق گزارش سازمان ملل متحد، امروزه بیش از ۶۰ درصد خانوارها به کمک غذایی نیاز دارند و بیکاری عمومی نزدیک به ۵۰ درصد است. محاصره غزه اقدامی غیرقانونی برای مجازات دسته‌جمعی علیه مردم فلسطین است. ایالات متحده از سال ۱۹۴۸ حامی اصلی اسرائیل در جامعه بین‌المللی بوده است، از جمله با کمک‌های مالی دوجانبه و کمک‌های نظامی که اکنون بالغ بر ۴ میلیارد دلار در سال است. استفاده از حق وتوی خود در شورای امنیت سازمان ملل علیه قطعنامه‌هایی که می‌تواند مجازاتی را علیه اسرائیل اعمال کند به نقض حقوق بشر و اشغال گسترده آن کمک کرده است (Berita, 2023).

دولت بایدن که اعلام کرده بود که حقوق بشر در مرکز سیاست خارجی آن خواهد بود تنها این لفاظی‌ها را به‌عنوان بخشی از یک فریاد تجمع برای گرد هم آوردن کشورهای غربی در مخالفت با تهاجم روسیه به اوکراین در عقب راندن نیروهای روسی انجام داده است، اما وقتی صحبت از حقوق فلسطینیان و کسانی که از آن‌ها دفاع می‌کنند، به نظر می‌رسد که ایالات متحده متعهد به سکوت است (Arabcenterdc, 2021).

### فروش تسلیحات و ترویج خشونت

پنتاگون همکاری امنیتی را این‌گونه تعریف می‌کند: تعامل با مؤسسات امنیتی خارجی برای ایجاد روابط امنیتی که منافع امنیتی خاص ایالات متحده را ارتقا می‌دهد، قابلیت‌های نظامی و امنیتی کشورهای متحد و شریک را برای دفاع از خود و عملیات چندملیتی توسعه می‌دهد و نیروهای آمریکایی را در زمان صلح و شرایط اضطراری فراهم می‌کند. دسترسی به کشورهای متحد و شریک ۸۰ تا همین اواخر، مشخص نبود که چه تعداد از این برنامه‌ها وجود داشته است. یک مطالعه شرکت رند در سال ۲۰۱۳ تخمین زد که دولت ایالات متحده در ۱۶۵ برنامه همکاری امنیتی که توسط ۱۸۴ مقام قانون‌گذاری جداگانه هدایت می‌شد، مشارکت داشت. تحقیقات جداگانه‌ای از اداره حساسی دولت در سال ۲۰۱۷ نشان داد که ۱۹۴ برنامه همکاری امنیتی وجود دارد. این برنامه‌های همکاری امنیتی گسترده‌تری فعالیت‌های ظرفیت‌سازی و افزایش مشارکت را نشان می‌دهد که همیشه انجام می‌شود. در غیاب چنین برنامه‌هایی و منافع آشکاری که آن‌ها برای دولت‌های منطقه‌ای فراهم می‌کنند، دسترسی ارتش آمریکا به این سرزمین‌ها به‌شدت محدود می‌شود (Chathamhouse, 2018).

واردات تسلیحات توسط کشورهای خاورمیانه بین سال‌های ۲۰۰۹-۱۳ و ۲۰۱۴-۱۸ ۸۷ درصد افزایش یافته است و ۳۵ درصد از واردات تسلیحات جهانی در سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۸ را تشکیل می‌دهد. عربستان سعودی در سال ۲۰۱۴-۱۸ با افزایش ۱۹۲ درصدی در مقایسه با سال ۲۰۰۹-۱۳، بزرگ‌ترین واردکننده تسلیحات در جهان شد. واردات تسلیحات توسط مصر، سومین واردکننده بزرگ اسلحه در سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۸، سه برابر (۲۰۶٪) بین سال‌های ۲۰۰۹-۱۳ و ۲۰۱۴-۲۰۱۸ افزایش یافت. واردات تسلیحات توسط اسرائیل (۳۵۴ درصد)، قطر (۲۲۵ درصد) و عراق (۱۳۹ درصد) نیز بین سال‌های ۲۰۰۹-۱۳ و ۲۰۱۴-۱۸ افزایش یافته است؛ با این حال، واردات تسلیحات سوریه ۸۷ درصد کاهش یافت (Weforum, 2019).

مؤسسه کاتو، اندیشکده مستقر در واشنگتن، در گزارش سال ۲۰۲۱ خود که هفته گذشته منتشر شد،

به این نتیجه رسید که عربستان سعودی، عراق، مصر، سودان و ترکیه بیشترین خطر استفاده از تسلیحات برای تضعیف ثبات اجتماعی و حقوق بشر را دارند، درحالی‌که میلیون‌ها دلار در این کشور دریافت می‌کنند. در این گزارش آمده است: «ایالات متحده با ادامه فروش تسلیحات به کشورهای بسیار شکننده و کشورهای دارای حکومت‌های مستبد، به افزایش سطح خشونت و ظلم در سراسر جهان کمک می‌کند». «ارائه سلاح به دولت‌هایی که با شهروندان خود بدرفتار می‌کنند، قدرت دولت را به ضرر شهروندانش افزایش می‌دهد و به آن‌ها اجازه می‌دهد تا به ناآرامی‌ها و چالش‌های سیاسی با خشونت پاسخ دهند» (staff, 2022).

عربستان سعودی از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۲۰ امتیاز ۷۱ را دریافت کرد و ۲۶,۹ میلیارد دلار فروش تسلیحات از ایالات متحده دریافت کرد. این پادشاهی با وجود سابقه ضعیف حقوق بشری و ادعای قتل‌های فراقانونی، بیشترین مقدار تسلیحات را از واشنگتن به دست آورد. مصر امتیاز ۷۸ را به دست آورد و ۸,۵ میلیارد دلار از فروش تسلیحات آمریکا در همان دوره دریافت کرد. به گزارش دیده‌بان حقوق بشر، تحت ریاست جمهوری عبدالفتاح السیسی، قتل‌های فراقانونی، دستگیری‌های خودسرانه دسته‌جمعی و ناپدید شدن اجباری در این کشور شمال آفریقا رو به افزایش بوده است. عراق که پس از تهاجم سال ۲۰۰۳ گرفتار فساد و خشونت بود، در شاخص مؤسسه کاتو در رتبه ۸۹ قرار گرفت و حدود ۱۰,۵ میلیارد دلار از ایالات متحده فروش داشته است (Ibid). درحالی‌که درگیری‌ها همچنان در خاورمیانه افزایش می‌یابد و شبکه‌های تروریستی همچنان در حال گسترش هستند و در بسیاری از مناطق منطقه مستحکم می‌شوند. ایالات متحده سهم عمده‌ای از بودجه نظامی خارجی را تنها به سه دولت اسرائیل، مصر و اردن اختصاص می‌دهد (HOFFMAN, 2022).

این سه دولت ۸۱ درصد از ۶ میلیارد دلار کمک نظامی آمریکا را در سال ۲۰۱۹ دریافت کردند. این تعامل پرهزینه نه منافع امنیت ملی ایالات متحده را ارتقا داده و نه به منطقه برای دستیابی به ثبات کمک کرده است. نارضایتی‌های اقتصادی، سیاسی و حقوق بشری رسیدگی نشده، زمینه مساعدی را برای گروه‌های رادیکال برای جذب نیرو ایجاد می‌کند. به‌عنوان مثال، نیروهای امنیتی عراق که توسط ایالات متحده آموزش و پشتیبانی می‌شوند، مرتکب حقوق بشر شدیدی شده‌اند سوءاستفاده با مصونیت تقریباً کامل با تضعیف اعتماد بین دولت عراق و مردم خود، داعش توانست جایگاه خود را به دست آورد و در نتیجه این گروه در سال ۲۰۱۴ موصل را به تصرف خود درآورد (Baydas, 2021). درحالی‌که بعید به نظر می‌رسد مسکو یا پکن توانایی یا تمایلی برای ایجاد نیرو در خاورمیانه داشته باشند، حتی اگر روسیه

یا چین ردپای منطقه‌ای خود را در پی عقب‌نشینی ایالات متحده گسترش دهند، این برای منافع استراتژیک ایالات متحده مضر نخواهد بود. با ورود جهان به دوره جدیدی از چندقطبی بودن، منافع اصلی ایالات متحده از خاورمیانه دور شده است. تنها راهی که خاورمیانه برای منافع اصلی ایالات متحده تهدید می‌کند این است که واشنگتن به سیاست‌های شکست‌خورده‌ای که عملاً منافع خودکامگان منطقه را جایگزین منافع ما کرده است، ادامه دهد. علاوه بر این، اگرچه برخی ممکن است به از دست دادن فروش تسلیحات منطقه‌ای به‌عنوان یک پیامد منفی اشاره کنند، در مقایسه با هزینه‌های حفظ برتری ایالات متحده در خاورمیانه - تخمین زده می‌شود. در حدود ۶۵ تا ۷۰ میلیارد دلار در سال، بدون ذکر تریلیون‌ها دلاری که برای جنگ‌های ایالات متحده خرج می‌شود، در مقایسه با این «سودها» کوچک‌تر است. ناگفته نماند که این پول فقط برای غنی‌سازی تولیدکنندگان اسلحه است (Ibid). جالب اینجا است که درحالی‌که بسیاری از اندیشمندان و سیاستمداران آمریکایی‌ها تمایل دارند که سلطه نظامی ایالات متحده در خاورمیانه حفظ شود؛ زیرا حقوق بشر ابزار سلطه نظامی آمریکا در منطقه خواهد بود و اگر چین یا روسیه جایگزین آن شوند باعث بی‌عدالتی‌های استبدادی خواهد شد یک گزارش اخیر از مؤسسه کوئینسی استدلال می‌کند که ایالات متحده باید تعامل با شرکای امنیتی را مشروط به رسیدگی به نگرانی‌های حقوق بشر کند (Sheline & Hunt-Hendrix, 2020).

### نتیجه‌گیری

تلاش پژوهش حاضر این بود تا مسئله نفوذ و مداخله نظامی ایالات متحده در منطقه خاورمیانه را که با تبلیغات غربی به‌عنوان یک دستاورد حقوق بشری در مبارزه با تروریسم، ساقط کردن قدرت‌های مستبد، گسترش ارزش‌های لیبرال دموکراسی بیان می‌شد را به‌گونه‌ای مورد بررسی قرار دهد که بعد نقض حقوق بشر را که مغفول مانده بود را پوشش دهد. پژوهش ابتدا با بررسی مفهوم حقوق بشر نشان داد که تعریف جامعی در این خصوص وجود ندارد پژوهش نشان داد که مسئله حقوق بشر در سیاست خارجی آمریکا همواره مطرح بوده است، اما واقعیت این است که آمریکا بیشتر کشوری جنگ‌افروز است که مجوز مداخله نظامی خود را با توسل به بهانه‌هایی چون مبارزه تروریسم، دفاع از حقوق بشر و دموکراسی انجام داده است. در فضای پسا شوروی آمریکا برای نفوذ بیشتر در منطقه خاورمیانه با اقدام تهاجمی علیه عراق تلاش کرد که جاپای محکمی را در منطقه بیابد؛ با این حال هزینه‌های گزاف جانی و مالی و حیثیتی از یک‌سو و بحران‌های بعدی ناشی از اشغال که به رشد افراط‌گرایی در داخل کشورها و تسری آن به منطقه از سوی دیگر منجر شد به تغییر رویه آمریکا منتهی گردید. در همین راستا تلاش

برای استفاده از کشورهای منطقه برای محافظت از منافع آمریکا ایجاب می‌کرد تا این کشور از گزینه‌های جایگزین در پیشبرد اهداف خود استفاده کند. تقویت روابط با عربستان منجر به آن شد که علی‌رغم اینکه این کشور خود از نظر وضعیت حقوق بشر با انتقادهای شدیدی همراه است، اما از نظر آمریکا در جهت استقرار وضعیت موجود و ایجاد نظم مطلوب این کشور گزینه مناسبی باشد. در همین راستا آمریکا از بسیاری از اقدامات داخلی و خارجی عربستان که ناقض حقوق بشر بود چشم‌پوشی کرد. مورد دیگری که در پژوهش مورد واکاوی قرار گرفت مسئله تحریم‌ها و فشارهایی بود که از سوی آمریکا بر کشورهای خاورمیانه اعمال شده بود و منع دسترسی به منابع و بلوکه کردن دارایی این کشورها صدمات جدی به مردم این کشورها وارد ساخته بود که حقوق آن‌ها را پایمال می‌کرد. پژوهش استانداردهای دوگانه آمریکا که شعارهای حقوق بشری را در حالی سر می‌دهد که خود اقدامات ضد حقوق بشری در زندان‌ها یا سرپوش گذاشتن بر جنایات متحدان منطقه‌ای چون اسرائیل مروج نقض حقوق بشر است. در خاتمه نشان داده شد که منافع چون فروش تسلیحات نظامی موجب شده است که هرگونه رویه صلح و مذاکره در منطقه برخلاف منافع اقتصادی آمریکا باشد و از همین رو نادیده گرفتن نقض حقوق بشر با شیوع جنگ و ناامنی در خاورمیانه از اولویت‌های راهبردی ایالات متحده آمریکا نیست. در خاتمه پیشنهادهای زیر برای گسترش حقوق بشر در خاورمیانه ارائه می‌شود:

- ۱- عدم اعتماد به سیاست‌های توسعه حقوق بشر آمریکا در خاورمیانه.
- ۲- تلاش برای گسترش فضای ارتباطات بین کشورها برای استقرار نظم و امنیت منطقه‌ای.
- ۳- حمایت از طرح‌های خروج آمریکا از منطقه.
- ۴- تلاش برای حل مسائل و چالش‌های مشترک جهان اسلام.
- ۵- محدودسازی اقدامات قهری و نظامی از طریق بسط رفتارهای دیپلماتیک.
- ۶- توجه به حقوق بشر اسلامی که با تلاش کشورهای اسلامی تهیه شده است.

## منابع

- بابل زهی، رحیمه (۱۳۸۹). سیاست‌های لیبرالی آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر و ثبات‌آفرینی در افغانستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، استاد راهنما: سید اصغر کیوان حسینی.
- بهرامی تاش، رکسانا (۱۳۹۸). «حقوق بشر گفتمان مسلط جهانی‌سازی و فمینیسم»، دو فصلنامه حقوق بشر، سال پانزدهم، شماره ۱، شماره پیاپی ۲۹.
- بیگی، علیرضا (۱۴۰۰). «بررسی وضعیت حقوق بشر در یمن در آستانه هفتمین سالگرد حمله ائتلاف سعودی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره گزارش ۱۸۱۱۹.
- توکلی مرند، محمدرضا (۱۳۹۷). هژمونی ایالات متحده آمریکا و امنیت‌سازی ج.ا.ایران پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علامه طباطبایی.
- التیامی‌نیا، رضا؛ باقری دولت‌آبادی، علی و نیک‌فر، جاسب (۱۳۹۵). «بحران یمن: بررسی زمینه‌ها و اهداف مداخلات خارجی عربستان و آمریکا»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۱۸.
- حاجی‌پور توان پشته، جواد و اسحاقی، شهناز (۱۳۹۵). «مفاهیم و مصادیق نقض حقوق بشر توسط ایالات متحده آمریکا»، پژوهش جشنواره هنری حقوق بشری آمریکایی.
- حسین‌زادگان، فاطمه (۱۳۹۹). اجرای دکترین مسئولیت حمایت در بحران یمن، پایان‌نامه ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد تهران مرکزی.
- خدیمی، مسعود؛ جعفری‌فر، احسان (۱۴۰۰). «ارزیابی نقش و عملکرد سازمان ملل متحد در بحران سوریه»، فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، سال سوم، شماره نهم، پاییز.
- ذکاء دادگستر، هادی؛ محمدی، محمدشاه (۱۴۰۱). «بررسی سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا بر امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا (۲۰۲۲-۲۰۰۱)»، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۲، تابستان.
- رئبسی‌زکی، لیلا و درخشنده، مریم (۱۳۹۴). «نقش و جایگاه حقوق بشر به‌عنوان قدرت نرم در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال هشتم، شماره ۳۲، زمستان.
- زمانی، سید قاسم و غریب‌آبادی، کاظم (۱۳۹۶). «تحریم‌ها به‌مثابه نقض تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در زمینه حمایت از حقوق بشر»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال یازدهم، شماره چهارم.
- عمادی، سید رضی و علیخانی، مهدی (۱۴۰۰). «روابط آمریکا و عربستان سعودی در دوره ریاست‌جمهوری جو بایدن؛ عوامل تعیین‌کننده و پیامدها (با تأکید بر پیشنهاد‌های رسانه‌ای)»، پژوهش‌نامه رسانه بین‌الملل، سال ششم، شماره اول.

فرخی چشمه سلطانی، مجید و عطار، سعید (۱۳۹۶). «آینده‌پژوهی حضور ایالات متحده آمریکا در غرب آسیا»، فصلنامه آفاق امنیت، سال دهم، شماره سی و چهارم، بهار.

فعال‌نظری، علی (۱۴۰۱). نقض حقوق مدنی سیاسی در عربستان و پیدایی گروه‌های تروریستی، نشر رجال، چاپ اول.

کیانی، آرش (۱۳۹۴). مداخلات سیاسی - نظامی آمریکا در منطقه خاورمیانه و تأثیر آن بر گسترش گروه‌های رادیکال اسلام‌گرا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه رازی.

محمدی، فاطمه (۱۴۰۱). «حکمرانی دوم طالبان: حقوق بشر و مسئولیت آمریکا»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز سال بیست و هشتم، شماره ۱۱۷، بهار.

معاونت آموزشی و پژوهشی مرکز ملی مطالعات جهانی شدن (۱۳۹۳). رویکردی چندرشته‌ای به جهانی شدن، نشر مرکز ملی جهانی شدن، چاپ اول.

معدنی، نعمت‌الله (۱۳۹۶). علل تشدید و گسترش تروریسم در خاورمیانه (۲۰۱۶-۲۰۰۱)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام خمینی (ره).

موسوی، سید قائم و فعال نظری، سید علی (۱۳۹۹). «عملکرد نظام سیاسی عربستان در قبال نسل اول تا سوم حقوق بشر»، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال دوم، شماره ۳، بهار.

نعمتی، امیرحسین و حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۹۸). «تحولات جدید در روابط عربستان و رژیم صهیونیستی؛ دلایل و زمینه‌ها»، فصلنامه آفاق امنیت، سال دوازدهم، شماره ۴۴.

هافمن، پل (۱۳۸۵). حقوق بشر و تروریسم، مجله حقوقی، شماره سی و چهار.

هدایتی شهیدانی، مهدی و منافزاده، حسن (۱۳۹۹). «تناقض نمای سیاست خارجی آمریکا در قبال تحولات بحرین و سوریه»، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال نهم، شماره هجدهم.

- Arabcenterdc. (2021). US Silence Enables Israel's Crackdown on Civil Society Organizations: <https://arabcenterdc.org/resource/us-silence-enables-israels-crackdown-on-civil-society-organizations/>
- Associated-Press. (2021). Human Rights Watch accuses Israel of apartheid over treatment of Palestinians: <https://www.nbcnews.com/news/world/human-rights-watch-accuses-israel-apartheid-over-treatment-palestinians-n1265442>
- Baydas, L. (2021). Rethinking U.S. Foreign Policy for the Middle East and North Africa: <https://gjia.georgetown.edu/2021/10/28/rethinking-u-s-foreign-policy-for-the-middle-east-and-north-africa/>
- Be-china-embassy. (2021). Chinese NGO reveals U.S. violation of human rights: [http://be.china-embassy.gov.cn/eng/tv/202208/t20220810\\_10738571.htm](http://be.china-embassy.gov.cn/eng/tv/202208/t20220810_10738571.htm)

- Berita. (2023). Israel-Palestine human rights record: <https://berita.pas.org.my/israel-palestine-human-rights-record/>
- Chathamhouse. (2018). US Military Policy in the Middle East: <https://www.chathamhouse.org/2018/10/us-military-policy-middle-east/4-security-cooperation-training-advice-and-weapons-sales>
- Cleveland-Stout, N., & Giorno, T. (2022). Recent arms sales contradict Biden promise on Middle East pivot: <https://responsiblestatecraft.org/2022/02/28/recent-arms-sales-contradict-biden-promise-on-middle-east-pivot/>
- Cmep. (2021). ISRAEL 2019 HUMAN RIGHTS REPORT: [https://cmep.org/issues/human-rights/?gclid=CjwKCAiAu5agBhBzEiwAdiR5tCKzINVZpdcx27oirjMLj10H9rz7yeE3JU1Yr7W-uHHkVqrT-n0nbhoC\\_E4QAvD\\_BwE](https://cmep.org/issues/human-rights/?gclid=CjwKCAiAu5agBhBzEiwAdiR5tCKzINVZpdcx27oirjMLj10H9rz7yeE3JU1Yr7W-uHHkVqrT-n0nbhoC_E4QAvD_BwE)
- CNN. (2021). Joe Biden stops arms trade with Middle East: <https://www.9news.com.au/world/joe-biden-pauses-us-arms-trade-with-saudi-arabia-uae/c2a7846b-df99-47be-bfec-d2b2f19795d4>
- Global.chinadaily. (2022). US commits serious crimes of violating human rights in the Middle East and beyond: <https://global.chinadaily.com.cn/a/202208/10/WS62f2eca8a310fd2b29e71442.html>
- HOFFMAN, J. (2022). Breaking Away From Secret Concessions in the Middle East: <https://prospect.org/world/2023-03-28-secret-concessions-middle-east/>
- HRW. (2021). Bahrain Events of 2020: <https://www.hrw.org/world-report/2021/country-chapters/bahrain>
- Pillar, P. R., Bacevich, A., Sheline, A., & Parsi, T. (2020). A New U.S. Paradigm for the Middle East: Ending America's Misguided Policy of Domination: <https://quincyinst.org/2020/07/17/ending-americas-misguided-policy-of-middle-east-domination/>
- Sheline, A., & Hunt-Hendrix, L. (2020). How the US can protect human rights in the Middle East: <https://responsiblestatecraft.org/2020/08/12/how-the-us-can-protect-human-rights-in-the-middle-east/>
- staff, M. (2022). Middle East countries rank among 'riskiest' nations receiving US arms sales: <https://www.middleeasteye.net/news/middle-east-countries-rank-riskiest-among-nations-receiving-us-arms-sales>
- Weforum. (2019). 5 charts that reveal the state of the global arms trade: <https://www.weforum.org/agenda/2019/03/5-charts-that-reveal-the-state-of-the-global-arms-trade/>
- Xinhua. (2022). U.S. commits serious crimes of violating human rights in the Middle East and beyond: <https://english.news.cn/20220809/df33c619baf04b259981bcbba3961810/c.html>